



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیمة

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

خزائن

چراغِ معراجِ گوید :

شهادتِ حضرتِ زهرا علیها السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خزانه یاس

نویسنده:

علی لباف

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	خزان یاس
۷	مشخصات کتاب
۷	انگیزه نگارش
۷	در مسیر پاسخگویی: بررسی منطق شیعیان در به کارگیری واژه «شهادت»
۷	مقدمه
۷	باور تاریخی یکم: حضرت زهرا علیهاالسلام توسط عوامل دستگاه حاکم مجروح شده‌اند
۷	سند شماره ۱
۷	سند شماره ۲
۸	سند شماره ۳
۸	تذکری در حاشیه
۸	برخی گزارشهای اهل سنت از باورهای شیعیان در زمینه مصائب حضرت زهرا علیهاالسلام
۸	مقدسی
۸	قاضی عبد الجبار
۹	باور تاریخی دوم: جراحت حضرت زهرا علیهاالسلام شدید بوده است
۹	سند شماره ۱
۹	سند شماره ۲
۹	سند شماره ۳
۹	باور تاریخی سوم: جراحت حضرت زهرا علیهاالسلام به درگذشت ایشان منجر شده است
۹	سند شماره ۱
۱۰	سند شماره ۲
۱۰	سند شماره ۳
۱۰	سند شماره ۴

- سند شماره ۵ ۱۱
- باور تاریخی چهارم: جراحت حضرت زهرا علیهاالسلام در راه دفاع از حضرت علی علیه السلام رخ داده است ۱۱
- سند شماره ۱ ۱۱
- سند شماره ۲ ۱۱
- سند شماره ۳ ۱۱
- جمع بندی و نتیجه گیری ۱۱
- شیوه اهل سنت در انتخاب واژه‌ی «شهادت»، شاهی بر صحت بینش شیعیان ۱۲
- پی‌نوشت ۱۲
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳

فزان یاس

مشخصات کتاب

سرشناسه: لباف علی ۱۳۵۳ - عنوان و نام پدیدآور: فزان یاس: چرا شیعه می گوید شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام / به اهتمام علی لباف. مشخصات نشر: تهران: منیر ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۳۲ ص. شابک: ۹۵۰۰ ریال: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۳۹ - ۱۳۸ - ۴؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ دوم) وضعیت فهرست نویسی: فایا یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۹. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. عنوان دیگر: چرا شیعه می گوید شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام. موضوع: فاطمه زهرا علیهاالسلام، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - شهادت - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها موضوع: فاطمه زهرا علیهاالسلام، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - مصائب رده بندی کنگره: ۲ / BP۲۷ / ل ۲خ ۴ - ۱۳۸۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۱۸۰۴۶

انگیزه نگارش

چندی پیش که به بهانه مرتب نمودن کتابخانه‌ام، آرشیو شبهات فاطمیه را ورق می‌زدم؛ نوشتاری برگرفته از سایت اینترنتی Sonnat که به مناسبت فاطمیه ۱۳۸۶ به رشته تحریر درآمده بود، توجهم را جلب کرد: «دادن عناوین به افراد می‌بایست با اصول و ضوابط قرآن و سنت باشد؛ نه این که بنده با شهید بودن حضرت زهرا مخالف باشم، ولی اینکه چون او را مقتول بدانیم پس شهید است، اشتباه است.»! آن چه در این نوشتار ملاحظه می‌فرمایید، پاسخی کوتاه و گویا به شبهه‌ی فوق می‌باشد.

در مسیر پاسخگویی: بررسی منطق شیعیان در به کارگیری واژه «شهادت»

مقدمه

منطق شیعیان در به کارگیری واژه «شهادت» برای اشاره به درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام، بر چهار دیدگاه تاریخی به هم پیوسته استوار می‌باشد. این چهار واقعه تاریخی که در طی قرون متمادی (به ویژه در قرون نخستین هجری) بخشی از مسلمترین باورهای تاریخی شیعیان در رابطه با مصائب حضرت زهرا علیهاالسلام محسوب می‌گردند؛ در میراث مکتوب قرنهای ۳ - ۶ هجری، به روشنی منعکس گردیده است: واقعه یکم: حضرت زهرا علیهاالسلام توسط عوامل دستگاه حاکم مجروح شده‌اند. واقعه دوم: جراحت حضرت زهرا علیهاالسلام شدید بوده است. واقعه سوم: جراحت حضرت زهرا علیهاالسلام به درگذشت ایشان منجر شده است. واقعه چهارم: جراحت حضرت زهرا علیهاالسلام در راه دفاع از حضرت علی علیه السلام رخ داده است.

باور تاریخی یکم: حضرت زهرا علیهاالسلام توسط عوامل دستگاه حاکم مجروح شده‌اند

سند شماره ۱

(شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰) در کتاب «تلخیص الشافی» (ج ۳، ص ۱۵۶، چاپ: مطبوعه الآداب، نجف) می‌نویسد و المشهور الذی لا خلاف فیه بین الشیعه أن عمر ضرب علی بطنها حتّی أسقطت... و [خبر] مشهور (= پرآوازه و فراگیر) بین شیعه که خلافتی در آن نیست (۱) این است که: عمر به شکم او زد، به گونه‌ای که او سقط [جنین] کرد...

سند شماره ۲

(عبد الجلیل قزوینی (متوفای ۵۶۰) در کتاب «النقض» (ص ۲۹۷، به تصحیح: محدث ارموی) می‌نویسد آنگه گفته است: «و گویند که: عمر درب بر شکم فاطمه زد و کودکی را در شکم او کشت که رسول او را محسن نام نهاده بود.» اما جواب آن است که این خبریست درست؛ و برین وجه نقل کرده‌اند و در کتب شیعی و سنی مذکور و مسطور است.

سند شماره ۳

(زین الدین عاملی بیاضی (متوفای ۸۷۷) در کتاب «الصرط المستقیم» (ج ۳، ص ۱۲، چاپ: مرتضوی، تهران) می‌نویسد و منها ما رواه البلاذری و اشتهر فی الشیعه أنه حصر فاطمه فی الباب حتی أسقطت محسنا. از جمله آن موارد [و اعمال ناشایست خلیفه‌ی دوم] آن مطلبی است که بلاذری [از علمای سنی مذهب و متوفای ۲۷۹] نقل کرده و در میان شیعیان نیز [این خبر] مشهور (۲) است که او (عمر بن خطاب) فاطمه [علیهاالسلام] را آن چنان بین در و دیوار قرار داد، که [فاطمه علیهاالسلام، فرزندش] محسن را سقط نمود.

تذکری در حاشیه

از دقت در تصریحات عالمان نام آور امامیه در قرنهای ۵ - ۶ و ۹ هجری، می‌توان به این نتیجه گیری علمی دست یافت: «بزرگان شیعه و منابع اصیل امامیه، در طی قرون متوالی و یکی پس از دیگری، با الفاظ مختلف، به بازگویی و ثبت نقلهای متعددی پرداخته‌اند که مضمون و محتوای مندرج در این خبرها، حاکی از صحت و اعتبار دیدگاه شیعیان در رابطه با مصائب حضرت زهرا علیهاالسلام می‌باشد.» همچنین، با تأمل در برخی گزارشهای اهل سنت می‌توان فهمید: «مصائب یاد شده، یکی از باورهای قطعی و فراگیر شیعیان در قرون نخستین هجری بوده است. چرا که اگر این مصائب در نزد شیعیان از پشتوانه‌هایی مشتمل بر اخبار متواتر برخوردار نمی‌بود؛ هرگز در میان امامیه به بروز و ظهوری گسترده دست نمی‌یافت و تا بدان جا علنی و عمومی نمی‌گردید که مورد توجه نویسندگان اهل سنت قرار گیرد.»

برخی گزارشهای اهل سنت از باورهای شیعیان در زمینه مصائب حضرت زهرا علیهاالسلام

مقدسی

مقدسی (متوفای ۳۵۵) می‌نویسد ... و ولدت محسنا و هو الذی تزعم الشیعه أنها أسقطته من ضربه عمر. (۳) و محسن را به دنیا آورد و او همان [طفلی] است که شیعه می‌پندارد: [فاطمه]، او را در اثر ضربه عمر سقط کرد. □ ابوبکر باقلانی (متوفای ۴۰۳) می‌نویسد: و أما طعن الرافضه علی الصحابه فلا یلتفت إلیه ... و قولهم ... أن عمر رفس فاطمه حتی أسقطت بمحسن. (۴) و اما ایراد رافضیها (شیعیان) بر صحابه، قابل اعتنا نیست ... (!!) و نیز گفته‌ی آنها: ... که همانا عمر، به فاطمه لگد زد، به طوری که محسن را سقط کرد.

قاضی عبد الجبار

قاضی عبد الجبار (متوفای ۴۱۵) می‌نویسد: و ادعوا بروایه رووها عن جعفر بن محمد و غیره: أن عمر ضرب فاطمه بسوط (۵) ... [شیعیان] بر اساس روایتی که از جعفر بن محمد و دیگران روایت کرده‌اند، مدعی شده‌اند که عمر، فاطمه را با شلاق زده است ...

وی در جای دیگری می‌نویسد: و لکن دعاوی الرافضه علی ضرب فاطمه ... و کُل من تأمل أمرهم تبین له بطلان ذلک (... ۶) اما ادعاهای رافضیه (شیعیان) در مورد مضروب شدن فاطمه ... و هر کس در کار آنها تأمل و اندیشه کند، بطلان آن برایش روشن می‌شود ... (!!)

باور تاریخی دوم: جراحت حضرت زهرا علیها السلام شدید بوده است

سند شماره ۱

قاضی نعمان مغربی (متوفای ۳۶۳) در کتاب «دعائم الإسلام» (ج ۱، ص ۲۳۲، چاپ: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم) از امام صادق علیه السلام روایتی نقل می‌کند که از تأمل در مضامین آن می‌توان به شدت جراحتهای وارد شده به حضرت زهرا علیها السلام پی برد: [عن أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن أبيه عليه السلام: قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله أسر إلى فاطمه عليها السلام أنها أولى (أول) من يلحق به من أهل بيته فلما قبض و نالها من القوم ما نالها لزمته الفراش و نحل جسمها و ذاب لحمها و صارت كالخيال. [از امام جعفر بن محمد صادق از پدرش علیهما السلام که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام محرمانه فرمود که وی نخستین شخص از اهل بیت اوست که به ایشان می‌پیوندد. بعد، وقتی آن حضرت صلی الله علیه و آله رحلت فرمود و از طرف جماعت به آن بانو آن آسیبها رسید، در بستر افتاد و جسمش ضعیف گشت و گوشت [بدن] وی آب شد (به تدریج لاغر شد) و مانند شبیحی گردید.

سند شماره ۲

(محمد بن جریر طبری [سوم] [۷] امامی صغیر (۸) (متوفای بعد از ۳۹۰) (۹) در کتاب «دلائل الإمامه» (۱۰) (طبع قدیم: ص ۴۵ / طبع جدید: ص ۱۳۴، چاپ: مؤسسه بعثت، قم) از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت علیه السلام فرمودند: و کان سبب وفاتها (۱۱) أن قنفذا مولى عمر لكزها بنعل السيف بأمره، فأسقطت محسنا و مرضت من ذلك مرضا شديدا ... و دلیل وفات آن بانو این بود که قنفذ غلام عمر به دستور او با نعل شمشیر (آهنی که انتهای غلاف شمشیر است) بر آن بانو به شدت ضربه‌ای زد؛ لذا محسن را سقط نمود و از این جهت، به سختی بیمار شد ...

سند شماره ۳

عماد الدین طبری (زنده در سال ۶۹۷) در کتاب «کامل السقیفه» مشهور به: «کامل بهائی»: (۱۲) (ج ۱، ص ۳۱۲، چاپ: المکتبه المرتضویه، تهران) نقل می‌کند: عقیل در فردای تدفین شبانه و مخفیانه حضرت زهرا علیها السلام، خطاب به عمر بن خطاب چنین گفت: و أنتم و الله لأشد الناس حسدا و أقدم عداوة لرسول الله و أهل بيته، ضربتموها بالأمس و خرجت من الدنيا و ظهرها بدم و هی غیر راضیه عنکما. سوگند به خدا! رشک شما به پیامبر خدا و خاندانش از همه بیشتر و دشمنی شما با او از همه بیشتر است. دیروز او (= حضرت زهرا علیها السلام) را زدید و در حالی از دنیا رفت که خون از پشت [و پهلو] او می‌رفت و او از شما دو نفر ناراضی بود.

باور تاریخی سوم: جراحت حضرت زهرا علیها السلام به درگذشت ایشان منجر شده است

سند شماره ۱

(ابن قولویه قمی (متوفای ۳۶۷) در کتاب «کامل الزیارات» (ص ۳۳۳، چاپ: المرتضویه، نجف) از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که جبرئیل علیه السلام خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین خبر داد: و أما ابتک فتظلم و تحرم و یؤخذ حقها غضبا للذی تجعله لها و تضرب و هی حامل و یدخل علی حریمها و منزلها بغیر إذن، ثم یمسها هوان و ذل، ثم لاتجد مانعا و تطرح ما فی بطنها من الضرب و تموت من ذلك الضرب... و اما دخترت؛ مورد ستم واقع می‌شود و محروم می‌گردد و حقش غاصبانه گرفته می‌شود؛ همان حقی که تو برایش قرار می‌دهی و در حالی که باردار است، او را می‌زنند و به حریم و خانه‌اش بدون اجازه وارد می‌شوند. سپس [از جهت ورود مهاجمان به خانه‌اش] به او خواری و ذلت می‌رسد، بعد هم [مدافع و] بازدارنده‌ای نمی‌یابد و به جهت کوفته شدن، فرزندی را که در بطن دارد، فرو می‌اندازد و به دلیل آن ضربه، از دنیا می‌رود...

سند شماره ۲

شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱) در کتاب «الأمالی» (ص ۱۰۰، مجلس ۲۴، چاپ: أعلمی، بیروت) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: و إني لما رأيتها ذكرت ما يصنع بها بعدی کأني بها و قد دخل الذل بیتها و انتهکت حرمتها و غضبت حقها و منعت إرثها و کسر جنبها (و کسرت جنبتها) و أسقطت جنبها و هی تنادی: «یا محمداه! فلا تجاب، و تستغیث فلا تغاث... فتقدم علی محزونه مکروبه مغمومه مغصوبه مقتوله. هرگاه که او را می‌بینم، به یاد می‌آورم که بعد از من با او چه رفتاری می‌شود و همانند این است که من با او هستم و می‌نگرم که اهانت، وارد خانه‌اش شده و حرمتش هتک گردیده و حقش غضب شده و ارثش گرفته شده است. پهلویش شکسته و جنبش سقط شده است. این در حالی است که مرا به اندوه می‌خواند. ولی جواب داده نمی‌شود و کمک می‌خواهد و کسی او را یاری نمی‌دهد... سپس بر من وارد می‌شود در حالی که غصه دار و داغدار و ناراحت است. حق او را به ظلم گرفته‌اند و او را به قتل رسانده‌اند. (۱۳)

سند شماره ۳

محمد بن جریر طبری امامی صغیر (متوفای بعد از ۳۹۰) در کتاب «دلایل الإمامه» (طبع قدیم: ص ۴۵ / طبع جدید: ص ۱۳۴، چاپ: مؤسسه بعثت، قم) از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت علیه السلام فرمودند: و کان سبب وفاتها أن قنفذا مولی عمر لکرها بنعل السیف بأمره، فأسقطت محسنا و مرضت من ذلك مرضا شديدا... و دلیل وفات آن بانو این بود که قنفذ غلام عمر به دستور او با نعل شمشیر (آهنی که انتهای غلاف شمشیر است) بر آن بانو به شدت ضربه‌ای زد؛ لذا محسن را سقط نمود و از این جهت، به سختی بیمار شد...

سند شماره ۴

محمد بن جریر طبری امامی صغیر (متوفای بعد از ۳۹۰) در کتاب «نوادر المعجزات» (طبع جدید: ص ۹۷ - ۹۸، چاپ: مؤسسه الإمام المهدي علیه السلام، قم) نقل می‌کند: فلما قبض رسول الله صلی الله علیه و آله و جرى ما جرى فی يوم دخول القوم علیها دارها و إخراج ابن عمها أمير المؤمنين علیه السلام و ما لحقها من الرجل أسقطت به ولدا تماما و کان ذلك أصل مرضها و وفاتها. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله جان سپرد و آن ماجراها در روز وارد شدن جماعت به خانه‌ی آن بانو و بیرون کشاندن پسرعمویش امیرالمؤمنین علیه السلام و آن بلایی که از ناحیه‌ی آن مرد به او رسید، اتفاق افتاد؛ فرزند کاملی را سقط کرد و این مسأله، ریشه بیماری و وفات آن بانو بود.

سند شماره ۵

کفعمی (متوفای ۹۰۵) (۱۴) در کتاب «مصباح» (صفحه ۵۲۲) نقل می‌کند إن سبب وفاتها علیها السلام هو أنَّها ضربت و أسقطت. همانا سبب درگذشت آن بانو این است که وی ضربه خورد، کوفته شد و سقط جنین کرد.

باور تاریخی چهارم: جراح حضرت زهرا علیها السلام در راه دفاع از حضرت علی علیه السلام رخ داده است

سند شماره ۱

یحیی بن الحسین زیدی یمنی (متوفای ۲۹۸) در کتاب «تثبیت الإمامه» (ص ۱۶، چاپ: دارالایمام السجاد علیه السلام، بیروت) نقل می‌کند • فقال أبو بکر لعمر: إنهض فی جماعه و کسر باب هذا الرجل و جئنا به [کی] یدخل فی ما دخل فیہ الناس فنهض عمر و من معه إلى باب علی فدقوا الباب فدافعته فاطمه صلوات الله علیها فدفعها و طرحها ... پس ابوبکر به عمر گفت: با گروهی برخیز و درب خانه‌ی این مرد را بشکن و او را نزد ما بیاور تا در آن چه مردم در آن وارد شده‌اند (بیعت با ابوبکر) وارد شود. پس عمر و کسانی که با او بودند برخاستند و نزد درب خانه علی رفتند و به درب کوبیدند. اما فاطمه که درود خدا بر او باد جلوی عمر را گرفت، پس او فاطمه را هل داد و [به سویی] پرت کرد...

سند شماره ۲

محمد بن مسعود عیاشی (متوفای ۳۲۰) در کتاب «تفسیر العیاشی» (ج ۲، ص ۳۰۸، چاپ: العلمیه الإسلامیه، تهران) روایت می‌کند: • فقامت فاطمه بنت رسول الله صلوات الله علیها تحول بینة و بین علی فضربها ... پس فاطمه دختر رسول خدا که درود خدا بر او باد برخاست که بین او و علی حائل شود [و مانع دست یافتن او به حضرت علی علیه السلام شود]؛ پس او را زد...

سند شماره ۳

محمد بن جریر طبری امامی صغیر (متوفای بعد از ۳۹۰) در کتاب «نوادر المعجزات» (طبع جدید: ص ۹۷ - ۹۸، چاپ: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، قم) نقل می‌کند: فلما قبض رسول الله صَلَّى الله علیه و آله و جرى ما جرى فی یوم دخول القوم علیها دارها و إخراج ابن عمها أمير المؤمنين علیه السلام و ما لحقها من الرجل أسقطت به ولدا تماما و كان ذلك أصل مرضها و وفاتها. وقتی رسول خدا صَلَّى الله علیه و آله جان سپرد و آن ماجراها در روز وارد شدن جماعت به خانه‌ی آن بانو و بیرون کشاندن پسرعمویش امیرالمؤمنین علیه السلام و آن بلایی که از ناحیه‌ی آن مرد به او رسید، اتفاق افتاد؛ فرزند کاملی را سقط کرد و این مسأله، ریشه‌ی بیماری و وفات آن بانو بود.

جمع بندی و نتیجه گیری

تا این جا دانستیم که ما شیعیان از همان قرون نخستین هجری بر این باور استوار بوده‌ایم که: (۱) - حضرت زهرا علیها السلام توسط عوامل دستگاه حاکم مجروح شده‌اند. (۲) - جراح حضرت زهرا علیها السلام شدید بوده است. (۳) - جراح حضرت زهرا علیها السلام به درگذشت ایشان منجر شده است. (۴) - جراح حضرت زهرا علیها السلام در راه دفاع از حضرت علی علیه السلام رخ داده است. حال می‌گوییم: ما شیعیان در فرهنگ مذهبی خود، این گونه از دنیا رفتن (یعنی: مرگ در راه دفاع از امیرالمؤمنین علی علیه السلام) را «شهادت» می‌نامیم. شیخ احمد طبرسی (متوفای قرن ۶) در کتاب «الإحتجاج» (ص ۸۳، چاپ: أعلمی، بیروت)

از سلمان فارسی نقل می‌کند که فرمود: و حالت فاطمه علیها السلام بین زوجها و بینهم عند باب الیبت فضریها قنفذ بالسوط علی عضدها، فبقی أثره فی عضدها من ذلك مثل الدملاج من ضرب قنفذ إیها فأرسل أبوبکر إلی قنفذ إضربها، فألجأها إلی عضاده بیتهما، فدفعها فکسر ضلعا من جنبها و ألقن جنینا من بطنها، فلم تزل صاحبه فراش حتی ماتت من ذلك شهیده ... فاطمه علیها السلام در آستانه در، بین همسرش و آنان (مهاجمان) مانع شد و قنفذ با شلاق بر بازوی آن بانو کوبید و اثر آن، بر بازوی وی مثل بازوبند باقی ماند و ابوبکر، سراغ قنفذ فرستاد که او را بزن! لذا آن بانو را به سمی از خانه‌اش پرت کرد و استخوان دنده‌ای از پهلویش را شکست و آن بانو جنینی را از بطنش فروانداخت. سپس پیوسته در بستر افتاده بود تا بر اثر آن [لطمات]، شهید از دنیا رفت ...

شیوه اهل سنت در انتخاب واژه‌ی «شهادت» شاهدی بر صحت بینش شیعیان

«نسائی [ابوعبد الرحمان احمد بن شعیب، متوفای ۳۰۳] از دانشمندان بزرگ اهل سنت است و کتاب «سنن» او یکی از «کتاب‌های شش‌گانه معروف و پذیرفته شده نزد عامه» [صحاح سته] به شمار می‌رود. آورده‌اند که وقتی نسائی وارد شهر شام شد، مردم آن سرزمین با علی بن ابی طالب علیه السلام کینه و دشمنی داشتند. به همین جهت، نسائی کتابی در مناقب و خصوصیات امیرالمؤمنین علی علیه السلام نوشت تا بلکه مردم را هدایت نماید. اما مردم شهر شام به او مراجعه نموده و از او تقاضا کردند تا در فضائل و مناقب معاویه روایتی نقل کند. او در جواب با تعجب گفت: مگر معاویه فضیلت و منقبتی هم دارد که من آن را برای شما بازگو سازم؟! وقتی مردم این پاسخ را از او شنیدند، به او حمله ور شدند و به قدری وی را کتک زدند که به بیماری فتق مبتلا گردید. نسائی را به مکه بردند و سرانجام، بر اثر همین بیماری درگذشت. از این رو، تاریخ نگاران بزرگ اهل سنت در شرح حال نسائی چنین نوشته‌اند: توفی بها مقتولا شهیدا. (۱۵) - (۱۶)

پی‌نوشت

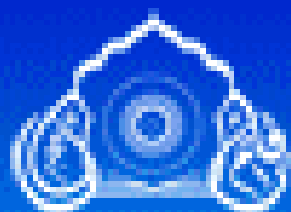
(۱) - شیخ طوسی قدس سره با افزودن این قید (لا خلاف فیه)، معنای «شهرت» را به سوی معنای «اجماع = اتفاق نظر» (: فقدان هرگونه نظر شاذ در برابر آن) سوق داده و آن را «به منزله» اجماع دانسته است. (۲) - خبری که نقل آن، پر آوازه و فراگیر است. (۳) - البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۲۰، چاپ: بغداد. (۴) - نکت الانتصار لنقل القرآن، ص ۳۶، چاپ: مصر. (۵) - المغنی، ج ۲۰، قسمت اول، ص ۳۳۵، چاپ: الدار المصریه. (۶) - تثبیت دلائل النبوه، ص ۲۳۹، چاپ: الدار العربیه، بیروت. (۷) - ر.ک: تنقیح المقال، جلد ۲؛ معجم رجال الحدیث، جلد ۱۵؛ الذریعه، جلد ۸. (۸) - رجالی نام آور، مرحوم آیه الله مامقانی، در کتاب «تنقیح المقال» (ج ۲، ص ۹۱) وی را توثیق نموده است (۹) - با بررسی اسناد کتاب «دلائل الإمامه»: با نامهایی همچون القاضی ابوالسحاق ابراهیم بن أحمد بن محمد بن أحمد بن عبدالله الطبری (متوفای ۳۷۳) ابوالمفضل محمد بن عبدالله بن محمد بن عبیدالله الشیبانی (متوفای ۳۸۷) ابوالحسن أحمد بن الفرغ بن منصور بن محمد بن الحجاج الفارسی (متوفای ۳۹۲) مواجه می‌شویم که همگی، از مشایخ بی واسطه مؤلف «دلائل الإمامه» به شمار می‌روند همچنین، ذیل عنوان «دلائل الإمام صاحب الزمان علیه السلام»، حدیث ۹۲، با این عبارت مواجه می‌شویم: حدثنا أبوالمفضل محمد بن عبدالله بن المطلب الشیبانی سنه خمس و ثمانین و ثلاث مئه ... بنابراین، تألیف و نگارش کتاب «دلائل الإمامه»، به نیمه دوم قرن ۴ (و به احتمال زیاد، به سالهای ۳۷۰ تا ۳۹۰ هجری قمری) باز می‌گردد ظاهرا تألیف کتاب تا پس از سال ۴۱۱ هجری، به طول انجامیده است؛ زیرا مؤلف هنگام یاد کردن از جناب حسین بن عبیدالله غضائری (متوفای ۴۱۱)، برای وی طلب رحمت کرده است (صفحه ۳۰۰، چاپ جدید). (۱۰) - نسخه کامل این کتاب نزد سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴) موجود بوده است. سید بن طاووس در تعداد قابل توجهی از تألیفات گرانبهایش (الإقبال، الأمان، الطرائف، الیقین، اللهوف، کشف المحجبه) از کتاب «دلائل الإمامه» حدیث نقل کرده و آن را تألیف «محمد بن جریر» برشمرده است (۱۱) -

از این سند، در باور تاریخی سوم نیز یاد خواهد شد. (۱۲) - این کتاب به نام بهاء الدین محمد جوینی - حاکم اصفهان در دوران هلاکو خان، به رشته تحریر درآمده است. (۱۳) - درباره نقل این حدیث توسط «جوینی شافعی»، به تفصیل در کتاب «دانشنامه شهادت حضرت زهرا علیها السلام»، بخش یکم، کتاب دوم سخن گفته‌ایم. (۱۴) - می‌توان گفت: کتاب «مصباح». به میراث مکتوب قرن ۹ هجری تعلق دارد (۱۵) - تهذیب الکمال (تألیف: مزی، متوفای ۷۴۲)، ج ۱، ص ۳۳۹، چاپ: مؤسسه الرساله، بیروت؛ البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر، متوفای ۷۷۴)، ج ۱۱، ص ۱۴۱، چاپ: دار إحياء التراث العربی، بیروت؛ تهذیب التهذیب (تألیف: ابن حجر، متوفای ۸۵۲)، ج ۱، ص ۳۳، چاپ: دار الفکر، بیروت. (۱۶) - یادداشت مؤلف از درس حضرت آیه الله سید علی حسینی میلانی تحت عنوان «ناگفته‌هایی از حقایق عاشورا». محرم ۱۴۲۸

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می‌توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان

شرکت کننده در جلسه ی) برگزارای دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت : ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا : ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۸۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

